

اعلامیه مشترک

وحدت بین المللی کمونیست ها مستلزم درهم شکستن رویزیونیسم آواکیانی، سنتریسیم و همه اشکال رویزیونیسم میباشد

یک سال قبل، نه (9) حزب و سازمان کمونیست از چندین کشور جهان، طی یک اعلامیه مشترک، چنین اظهار داشتند: اتحاد بین المللی کمونیست ها مستلزم شکست رویزیونیسم و سنتریسیم میباشد! [1] آنها یکبار دیگر، خیانت رویزیونیستی به انقلاب نیپال را محکوم کردند، فروپاشی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ریم) منحنی مرکز هدایت {مائوئیستی} را رسماً اعلام داشتند، و تیوری های رویزیونیستی حزب کمونیست مائوئیست نیپال و حزب کمونیست انقلابی ایالات متحده امریکا را که منجر به ورشکسته شدن (ریم) گردید، رد نمودند. آنها به مارکسیست-لنینیست-مائوئیست ها فراخوان دادند که برای اتحاد بین المللی کمونیست ها مبارزه کنند، تا باشد که تیوری های دروغین رویزیونیستی و موضع گیری های التقاطی سنترستی را درهم کوبند، و با کشیدن خط درشت فاصل میان مارکسیسم و اپورتونیسیم در سطح خط عمومی جنبش بین المللی کمونیستی، اساس اتحاد مستحکم به منظور ایجاد یک انترناسیونال جدید را فراهم آورند.

متعاقب آن خط درست، امروز در این سالگرد جدید صدر مائوتسه دون، آموزگار مبارزه سازش-ناپذیر به ضد اپورتونیسیم، ما به تقبیح سنتز های نوین نام نهاد باب آواکیان می پردازیم، سنتز هایی که به سال 2008 میلادی از سوی حزب کمونیست انقلابی آمریکا (آر.سی.پی) به تصویب رسید، {و این سنتز ها} به گونه ی شکلی از رویزیونیسم، خطر عمده در زمانه ما برای وحدت جنبش بین المللی کمونیستی محسوب میشود.

این {سنتزها} یک خط رویزیونیستی است که به مراتب خطرناکتر از رویزیونیسم پاراچندایی میباشد زیرا که خود را به حیث " یک نسخه رادیکالتر کمونیسم" ارائه میدارد. بر مبنای حزب کمونیست انقلابی آمریکا (آر.سی.پی):

" در فلسفه و میتود، سنتز های نوین، به مفهومی پراهمیت، اخلاقیات مارکسیستی را در مقیاس جهانی بر مبنای ریشه های علمی پیریزی میکند." طبق سخنان خود باب آواکیان، ارجاع به تجربه تمام جنبش بین المللی کمونیستی: " من همچنان بطور کامل اشتباهات را به تحلیل گرفتم، همچنان نقاط ضعیف و مفاهیم و میتود {هایی را که} به آن اشتباهات منجر گشته بود، بررسی کردم. بر آن منبأ، من یک چهار-چوب تیوریکی بهم-پیوسته کامل و سراسری را قوام ریخته ام، که عبارت از یک سنتز میباشد. با آنکه این پیشرفت برخاسته از داشته های گذشته و مابعدش است، {لیکن} همچنان دلالت دارد بر یک عنصر بسیار مهم، گسستی حقیقی از مفهوم و تجربه گذشته، که ما از آن سبب آنرا {آن گسست را} سنتز نوین می نامیم."

این یک تیوری خطرناک رویزیونیستی است که میتود ماتریالیزم دیالکتیک مارکسیستی را متروک میگذارد، تجربه تاریخی پرولتاریا در مبارزه به خاطر سوسیالیسم و کمونیسم را از خود نمی داند، دیکتاتوری پرولتاریا یعنی محک تشخیص مارکسیسم از اپورتونیسیم را انکار میکند.

این یک تیوری خطرناک رویزیونیستی است زیرا که چنان وانموده میشود که بر اشتباهاتی که به مارکسیسم منسوب میداند، فایق می آید، و به حیث خلف آن، که در حقیقت یک گسست از مارکسیسم-لنینیسم-

مائوئیسم است، یک تیوری پسا-مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی است، شکلی جدید از رویونیسم با محتوای کهنه و پوسیده است.

"سنتز های نوین" آر.سی.پی آمریکا، میتود علمی تفکر مارکسیسم انقلابی را کنار گذارده است و آغوش به ایدئالیسم ذهنیگرا میگذاید، پنبه تغافل به گوش میکند تا غرش سترگ تعیین در جنبش ماده را نشنود، آن تعیینی که اعلام میدارد که سرمایه داری در مرحله احتضار خویش که امپریالیزم است، تاریخا مجبور به آنست که سوسیالیسم در مقیاس جهانی جانشین آن شود. {این سنتزها} دست رد به سینه طبیعت قاطع تضاد های درون جامعه و پروسه های انقلابی در کشورهای گوناگون میکوبد، که نتیجه آن چیزی سواى به فراموشی سپاردن نیروهای حقیقی انقلاب و ناتوان ساختن {انقلابیون} از طرح تاکتیک ها و استراتژی های انقلابی نمی تواند بود.

میتود ایدئالیستی ذهنی-گرای "سنتز های نوین" برای پیروانش جز این به ارمغان نمی آورد که وجود عینی پرولتاریا را خوار شمرد، طبقه یی که یگانه طبقه انقلابی پیگیر است، {باید بوسیله "سنتز های نوین"} به یک ایدئال محض مبدل گردد، تا در بهترین حالت تنها بوسیله روشنفکران خرده بورژوازی نماینده گی گردد، {آن روشنفکرانی} که بنیان اجتماعی توجه به "سنتز های نوین" را تشکیل میدهند، و که از منظر چنین روشنفکرانی پرولتاریا توسط مارکسیسم، خود مارکس و بویژه انترناسیونال کمونیستی "تجسد یافته است. در نتیجه {از منظر خرده بورژوازی} نیاز به حزب پرولتاریایی یک شکلگرایی محض است، که در "جنبشی برای انقلاب" مسجل به فرمایش های "سنتز های نوین" رفاقت میپذیرد.

"سنتز های نوین" حزب کمونیست انقلابی آمریکا، یک تیوری رویونیستی است که تحت بهانه ی نباید" مذهبی باورانه به تجارب گذشته و به تیوری و میتود مترافق با آن چسبید" از تجربه مبارزاتی غنی پرولتاریای جهانی چشم پوشی نموده، گذشته شکوهمند انترناسیونال کمونیستی و ساختمان سوسیالیسم در روسیه و چین را متروک میگذارد. لهذا، تیوری مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی را به تازیانه سرزنش می بندد، زیرا که " تیوری عبارت از تجربه جنبش کارگری در همه کشور ها است که در عمومی ترین شکلی نمودار میشود". [iii] از همین جا است که آر.سی.پی آمریکا تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی را به مرحله ی نخستین که با مانیفست کمونیست تالیف مارکس و انگلس آغاز میشود، و با شکست پرولتاریا در چین در 1976 میلادی پایان می-پذیرد، و مرحله دومین مرتبط با "سنتز های نوین" و "مانیفست نوین" حزب کمونیست انقلابی آمریکا، تقسیم میکند و که {این مرحله دومین} متعالی تر از مارکسیسم کهنه قلمداد شده، و مانیفست قدیمی را ناکار آمد و از مد افتاده جلوه گر میسازد. [iii]

تصادفی نیست که رویونیسم پاراچندا و رویونیسم آواکیانی، مقارن هم، نابسندگی مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم را در خصوص حل مسایل انقلاب در سده بیست و یکم اعلان میدارند، و لهذا آنها تیوری لنینیستی امپریالیزم را که به انقلاب جهانی پرولتاریایی و سوسیالیسم می-فرجامد، بی اساس میخوانند. برضد مارکسیسم عصر امپریالیسم، "سنتز های نوین" آر.سی.پی آمریکا، به احیا و خاکباد پراگنی تیوری های رویونیسم کهنه مرتبط با اولترا-امپریالیسم کائوتسکی اقدام میکند. لفاظی های "گلوبالیزاسیون" بورژوازی را بر-میگیرد، درفش انقیاد به آستان امپریالیزم آمریکا را برمی افرازد، امپریالیزم شکست ناپذیر فرضی بر-می تراشد و اما این تنها پرولتاریا و خلق های جهان اند که به ضد آن {امپریالیزم} یارای مقاومت را دارا اند { و نه رویونیسم و آواکیانیستان}.

بر ضد پیشرفت اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی بسوی دیکتاتوری پرولتاریا و بر ضد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین که در تیوری و پراتیک نیاز به ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا را به حیث یک سنگ بنای مارکسیم می آموخت، "سنتز های نوین" آر.سی.پی آمریکا {مزورانه} به ضدیت با تیوری بورژوایی "حق اختلاف عقیده داشتن" جان استوارت میل مرتجع پرداخته، { و اما آنرا } به گونه نسخه مهذب پاراچندایی "دموکراسی چندین حزبی" ارائه داشت تا باشد که برای بورژوازی تحت حاکمیت پرولتاریا آزادی تام بخشد { و برای وی حق } تبلیغات رسانه را مسجل دارد، و {سرانجام} برای بورژوازی آزادی تشکیلاتی سیاسی را تامین کند.

برای "سنتز های نوین" آر.سی.پی آمریکا، تحت شرایط سوسیالیسم، دیکتاتوری پرولتاریا فقط یک حرف "معما گونه" است، همانگونه که کائوتسکی آنرا چنین نامید، جایی که تنها این "مردم" اند و نه طبقات در شرایط مبارزه انتاگونیستی، و {تذ} ادامه انقلاب به یک فانتزی و مشق های روشنفکری خرده بورژوازی کاهش می-پذیرد و کارگران و دهقانان به شکل برده گان کارمزدی و زائده های ماشین و زمین باقی می مانند. [iv]

"سنتز های نوین" که فضل روشانه از سوی حزب کمونیست انقلابی آمریکا به حیث "کمونیسم فاز نوین" ارائه گردید، در حقیقت عبارت از ارتداد از مارکسیسم انقلابی، خیانت به اعلامیه خودش در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که به سال 1993 اظهار داشت، بوده، و رویزیونیسمی پسا-مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی است که برای رهبری مبارزه انقلابی پرولتاریا تناسب نداشته، به حیث خطر عمده به امر وحدت مارکسیست-لنینیست-مائوئیست های حقیقی محسوب گردیده و مبارزه ی ظالمانه یی را جهت تخریب بنیان های فکری آنها {پرولتاریا} از پیش میبرد، با ظاهر ساختن شناسه ی ارتجاعی خویش، ارتباطات خویش با ایده های کهنه ی بورژوایی را برملا داشته، و شناسنامه ی خویش را که تیوری های اپورتونیستی کهنه و مبتذل است، مکشوف میدارد.

ما اعتبار مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم به حیث علم انقلاب پرولتاریایی را تصدیق میکنیم. ما از مشروعیت آموزگاران خویش، مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائو دفاع میکنیم. از تجربه تاریخی جنبش بین المللی کارگری به دفاع برخاسته، از شکست ها و پیروزی های شان در جنگ های کبیری که در امر ساختمان سازمان بین المللی کمونیست ها، جهت رهبری توده ها بسوی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و سوسیالیستی، و در امر ساختمان دولت نوین دیکتاتوری پرولتاریا، از پیش بردند، می آموزیم. ما عزم تزلزل ناپذیر خویش برای پیشبرد مبارزه جهت نیل به اتحاد در یک انترناسیونال کمونیستی نوین که مبنی بر مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم باشد را به اثبات میرسانیم و برای به پیروزی رسیدن انقلاب جهانی پرولتاریایی و پیروزی بر سیستم امپریالیستی، موجودیت یک انترناسیونال کمونیستی نوین را مطلقا ضروری میدانیم.

برضد تز های رویزیونیستی "سنتز های نوین" آر.سی.پی: زنده باد مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم

بسوی یک انترناسیونال کمونیستی نوین مبنی بر مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم: به پیش!

26 دسامبر، 2012

امضاء کننده گان اعلامیه مشترک:

حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) پانامه

مائونیست های عرب

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست-مائونیست، عمدتاً مائونیست)

حزب کمونیست پیرو – کمیته منطقه یی مانترو روجا

Unión Obrera Comunista (MLM) – Colombia

مرکز مارکسیستی-لنینیستی-مائونیستی-بلژیک

Colectivo Odio de Clase – Estado Español

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست {بنگلادیش}

Grupo Reconstrucción - PERUCRPM – Estado Español

Organización Comunista Bandera Roja – Estado Español

حزب کمونیست اکوادور - آفتاب سرخ

Endnotes

[1] Declaración firmada por Arab Maoists, Colectivo Odio de Clase - Estado Español, Parti Communiste Marxiste-Léniniste-Maoïste – France, Partido Comunista del Ecuador Sol Rojo, Partido Comunista del Perú - Base Mantaro Rojo, Partido Comunista Popular Maoísta – Argentina, Partido Comunista (Marxista-Leninista) de Panamá, Proletarian Party of East Bengal (PBSP) (Maoist Unity Group)/Bangladesh, Unión Obrera Comunista (MLM) – Colombia.

2

J, Stalin, Foundations of Leninism.

3

Ver “El Comunismo: El Comienzo de una nueva etapa”.

4

Ver El pensamiento crítico y la búsqueda de la verdad: hoy y en la sociedad socialista – Raymond Lotta

^[i] Declaración firmada por Arab Maoists, Colectivo Odio de Clase - Estado Español, Parti Communiste Marxiste-Léniniste-Maoïste – France, Partido Comunista del Ecuador Sol Rojo, Partido Comunista del Perú - Base Mantaro Rojo, Partido Comunista Popular Maoísta – Argentina, Partido Comunista (Marxista-Leninista) de Panamá, Proletarian Party of East Bengal (PBSP) (Maoist Unity Group)/Bangladesh, Unión Obrera Comunista (MLM) – Colombia.

[\[ii\]](#)

J, Stalin, Foundations of Leninism.

[\[iii\]](#)

Ver “El Comunismo: El Comienzo de una nueva etapa”.

[\[iv\]](#)

Ver El pensamiento crítico y la búsqueda de la verdad: hoy y en la sociedad socialista – Raymond Lotta